

دوفصلنامه علمی- تخصصی «پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه»

شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۵۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۲۳

تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا (از خلال تحلیل گفتمان نشریات مرتبط با موضوع عاشورا)

نسیم کاهیرده*

مهری بهار**

چکیده

مناسک عزاداری عاشورا، در دوره‌های مختلف تاریخی علاوه بر صورت‌بندی‌هایی مختلف، پذیرای دیدگاه‌های نظری و گفتمان‌های متنوعی نیز بوده است. این گفتمان‌ها تحت تأثیر اوضاع اجتماعی- سیاسی ساخت یافته و امکان رشد و بازتولید نظام فکری خاص خود و تأثیر آن بر جامعه را می‌یابند و به جهت این تأثیرگذاری بررسی پیرامون گفتمان‌های مذکور از منظر جامعه‌شناختی ضرورت می‌یابد و آنچه در ادامه می‌آید نتیجه پژوهشی است در این باره، که توصیف ویژگی‌های گفتمان‌های متأثر از محتوای مناسک عاشورا و همچنین تفسیر معانی مورد نظر این گفتمان‌ها را مدنظر داشته است. این تحقیق به روش کیفی و با اتکا به نظریات دورکیم و روش تحلیل گفتمان فرکلاف به بررسی محتوای نشریات مرتبط با موضوع عاشورا که در سال ۱۳۸۹ چاپ شده پرداخته (با استفاده از نمونه‌گیری نظری هدفمند و ناهمگون) و در نتیجه آن سه نوع گفتمان: ۱. گفتمان علمی- آکادمیک ۲. گفتمان ادبی- هنری ۳. گفتمان کلامی- فقهی تشخیص داده شده است.

واژه‌های کلیدی: مناسک، عاشورا، گفتمان، تحلیل گفتمان، گونه‌های گفتمانی، پرکتیس گفتمانی.

مقدمه

از گذشته دور تا دوران معاصر دین باوری و دینداری، همواره وجه مشخصه غالب و پایدار جامعه ایرانی بوده است و بر خلاف پیش‌بینی‌های صورت گرفته در غرب، امروزه مشاهده می‌شود که حیات دینی همچنان به شکل پویا و در سطح وسیعی از جامعه جریان دارد و افراد زیادی با دین مأنوس‌اند و دین از دغدغه‌های اصلی آنها محسوب می‌شود. اینکه دین چیست خود مسئله‌ای است که جای بحث دارد، اما بیان تعریف مشخصی از دین موضوع اصلی این مقاله نیست. آنچه که در اینجا مد نظر است مقوله رفتارهای دینی و اعمالی است که، در ارتباط با باورها و عقاید دینی رخ می‌دهند. اعمالی که معمولاً در قالب مراسم و آیینی خاص، در ایام ویژه‌ای به طور منظم و همگانی تکرار می‌شوند و تحت عنوان مناسک^۱ یا آئین عبادی نامیده، و غالباً مجرای اصلی تجربه دینی و بروز پیامدهای حیات دینی برای مؤمنان دانسته شده است. مناسک عزاداری عاشورا از جمله این مناسک است. اجرای منظم و پرشور مناسک عاشورا در جامعه امروز ایران با توجه به نقش سستبر و وسیعی که در حیات دینی مردم دارد، ضرورت مطالعه و شناخت زوایای مختلف این مناسک را گوشزد می‌کند. دیدگاه‌های نظری، نظام معنایی و گفتمان‌های متنوعی که پیرامون آن و متأثر از محتوای این مناسک در جامعه شکل گرفته و می‌گیرد، نیز از جمله مقولاتی‌اند که در این باره قابل تأمل‌اند.

بیان مسئله

مذهب شیعه از سالیان دور مذهب رسمی و غالب ایرانیان بوده است، طبعاً مناسک عزاداری عاشورا از دغدغه‌های دیرینه آنها محسوب می‌شود؛ که البته تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، تغییراتی را پذیرفته و با اشکال متفاوتی ظهور یافته است. از جمله تغییراتی که در دوران معاصر نیز متناسب با زندگی مدرن و جدید در این مناسک رخ داده، ایجاد دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با موضوع عزاداری است. این دیدگاه‌های مختلف طبعاً در جامعه به ویژه فضاهای فکری و اندیشگی، گفتمان‌هایی را ایجاد می‌نمایند. هر گفتمانی، با توجه به «نظام فکری» و «اصول موضوعه» خود، در مورد مفاهیم مختلف، موضع‌گیری‌های مختلفی عرضه می‌کند و در هر قالبی به «بازنمایی» نظرهای خویش می‌پردازد. به عبارتی دیگر، گفتمان‌ها با ایدئولوژی و اهداف خاص در گذر زمان از طریق نهادهای اجتماعی، آن چنان در جامعه جا باز می‌کنند و طبیعی جلوه می‌کنند که مردم آن گفتمان و به دنبال آن پذیرش آن تفکر و ایدئولوژی را امری طبیعی، منطقی و به انتخاب خود می‌پندارند و بدون هیچ گونه

مقاومتی آن را می‌پذیرند و تصور می‌کنند که آزادانه و به اختیار خود می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. به سخن دیگر، گفتمان‌ها شکل‌دهنده و القاکننده فرهنگ و ایدئولوژی خاص خود در جامعه هستند (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۸). بنابراین، گفتمان‌های مذکور نیز به مرور زمان و البته تحت تأثیر اوضاع اجتماعی-سیاسی امکان رشد و باز تولید نظام فکری خاصی را خواهند داشت و تأثیرات ویژه خود را نیز بر جامعه خواهند گذاشت. لذا با درک وجود این تأثیرگذاری اجتماعی، تحلیل و واکاوی پیرامون این گفتمان‌ها در حیطه جامعه‌شناسی به لحاظ جهت ضرورت می‌یابد.

گفتمان ویژگی پارادایمی دارد و بیانگر الگو و منطق گفت‌وگو است و فراتر از عناصر نحوی و لغوی به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد و از این رو یک موضوع کاملاً جامعه‌شناختی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸) بنابراین، انتخاب و پرداختن به آن به مثابه بستری مناسب جهت تحلیل نظام معنایی و دیدگاه‌های فکری و اندیشگی که طی سالیان دراز پیرامون مناسک عاشورا شکل گرفته و می‌گیرد راهگشاست. در واقع منطق و ایدئولوژی هر کدام از این گونه گفتمان‌ها با تحلیل تولیدات متنی و نشریات وابسته به آن پیگیری می‌شود و سعی می‌شود که ویژگی‌های خاص و نظام معنایی آنها با مرتبط ساختن به زمینه بیرونی و بستر اجتماعی موجود شناسانده شود. با توجه به طرح مسئله پیرامون اینکه گفتمان‌های عاشورایی چه تأثیری بر بازتولید نظام فکری و اجتماعی خواهند داشت چند سؤال در ذهن متبادر خواهد شد: اول اینکه آیا موضوع «مناسک عاشورا» موجد و تقویت کننده گفتمان‌های خاصی در جامعه امروز ایران است؟ دوم چنین گفتمان‌هایی دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشند؟ سوم مفاهیم و معانی اصلی تشکیل دهنده این گفتمان‌ها کدام‌اند؟ و بالاخره تداوم هر کدام از این گفتمان‌ها در جامعه تقویت کننده چه نوع نظام فکری و اندیشگی است؟

مباحث نظری

۱. مفهوم گفتمان

گفتمان عبارت است از چگونگی تولید و سامان گرفتن یک متن چه کتبی و چه شفاهی از جانب تولید کننده و فرآیند درک آن از سوی مخاطب. پدیده زبانی همواره پدیده‌ای اجتماعی است. به این معنا که هرگاه مردم سخن می‌گویند، می‌شنوند، می‌نویسند یا می‌خوانند متأثر از جامعه‌اند (خانیک، ۱۳۸۷: ۲۴۹). گفتمان مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷). به عبارتی دیگر، گفتمان به معنای منطق گفتار، گفت و گو و یا پس زمینه‌های گفتار و جملاتی است که به کار می‌روند و معنای واقعی جمله را در ارتباط با دنیای واقعی و زمینه بیرونی آن شناسایی می‌کند (همان: ۸).

بنابراین، اگر واقعیت اجتماعی به عنوان متن در نظر گرفته شود، شامل نوعی منطق زبانی می‌شود که می‌توان آن را تحلیل کرد و در واقع، این امر، بنیان بحث تحلیل گفتمان را تشکیل می‌دهد. از جمله رویکردهای مهم در تحلیل گفتمان تحلیل گفتمان انتقادی است که به نقش فعال گفتمان در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کند. در این فرایند نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گفتمان‌ها را می‌سازند و سپس گفتمان‌های مورد نظر با ایدئولوژی و اهداف خاص در گذر زمان از طریق نهادهای اجتماعی آن چنان در جامعه جابجا می‌کنند و طبیعی جلوه می‌کنند که مردم آن گفتمان را و به دنبال آن پذیرش آن تفکر و ایدئولوژی را امری طبیعی، منطقی و به انتخاب خود می‌پندارند و بدون هیچ گونه مقاومتی آن را می‌پذیرند و تصور می‌کنند که آزادانه و به اختیار خود می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. به سخن دیگر، گفتمان‌ها شکل‌دهنده و القاکننده فرهنگ و ایدئولوژی خاص در جامعه هستند (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۸).

۲. مفهوم مناسک

در نظام‌های مذهبی، عملاً مجموعه‌ای از مناسک وجود دارد. دور کیم با اذعان به این موضوع به این نکته اشاره می‌کند که نوعی سلسله مراتب میان انواع مناسک برقرار است. در هر جامعه‌ای تعدادی از مناسک وجود دارند که از لحاظ همسانی و عمومیت از مناسک دیگر متمایز هستند. محتوای این مناسک و عناصر و شخصیت‌های آنها موضوع مهم‌ترین احساسات و بعضاً منشأ مهم‌ترین باورها و رفتارها و حتی اشیاء و پیدایش رسم‌ها هستند. در سلسله مراتب مناسک، بعضی از آنها مهم‌ترین عامل و مجرای تثبیت وحدت اخلاقی و دینی قبیله و اجتماع هستند، بالاخص مناسکی که به نوعی یا همه اجتماع و بخش‌های آن و یا حداقل نمایندگان آن تمام بخش‌های آن در آن حضور داشته باشند (دور کیم، ۱۳۸۳: ۳۸۹) این مسئله همراه است با نوعی پتانسیل سیاسی در مناسک. مناسک به واسطه نوع مقصود و هدفی که در نظام کلی مناسکی جامعه دارند و از سوی دیگر به واسطه اینکه مناسک هم این قابلیت را دارند که برای مقاصد مختلف به کار روند و هم اینکه چندین مراسم برای یک هدف باشند و در نهایت اینکه مناسک می‌توانند جای یکدیگر را بگیرند، نوعی پتانسیل سیاسی را در ذات مناسک ایجاد می‌کند که سبب می‌شود نقش و جایگاه یک مناسک در نهایت وابسته به «زیر و بم آهنگ حیات اجتماعی» و وضعیت زندگی جمعی مؤمنان باشد. لذا از موقعیت یک مناسک در میان مردم هم می‌توان به نظام مذهبی آنها و هم به هدف اولویت‌مند برای آنها از خلال مذهب پی برد. حتی تأثیر مناسک و دریافت از آن نیز به این آهنگ اجتماعی بستگی دارد.

مهم‌ترین مناسک مذهبی برای یک جامعه، لزوماً در کل تاریخ حیات مذهبی مؤمنان ثابت و یکسان نمی‌مانند، بلکه متغیرند. از نظر دور کیم، مهم‌ترین مناسک و برترین آنها، مناسکی است که طی آن، اجتماع «احساس حادثی از خویشتن» (دور کیم، ۱۳۸۳: ۴۰۴) به دست آورد. این

احساس به طور نمادین در شخصیتی که نماد آن مناسک است متبلور می‌شود. این احساس، امری عقلانی و تعقلی نیست، بلکه امری عاطفی و ایمانی است و از خلال مناسک هم ایجاد می‌شود و تداوم می‌یابد. «نه توزیع اندیشه دینی در بین توده‌های مردم معتقد به آنها یکسان است و نه شیوه عمل کردن به باورهای دینی. بسته به نوع افراد، محیط‌ها و اوضاع و احوال، باورها و مناسک دینی به شیوه‌های مختلف و متفاوتی احساس و اعمال می‌شوند» (دورکیم، ۱۳۸۰: ۷). عزاداری یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این گونه مناسک است. دورکیم در بحث خود دربارهٔ مناسک عزاداری، آن را صورتی از مراسم جمعی می‌داند که در کسانی که در آن شرکت می‌کنند «حالتی از جوش و خروش استثنائی» پدید می‌آورد. «حالت عاطفی خاصی» در گروه شکل می‌گیرد که شدت و ضعف و کم و کیف آن بیانگر اوضاع و احوال و ویژگی‌های گروه است. احساس فرد در این مراسم بیانگر احساس اجتماع و حالت عاطفی آنست که فرد در برابر آن ادای تکلیف می‌کند از نظر دورکیم عزاداری و مناسک عزاداری تحت تأثیر علل غیرشخصی و بر اثر نحوه تلقی اخلاقی گروه تعیین می‌شود. البته دورکیم جوش و خروش‌های ناشی از عزاداری در ماهیت اصلی را چندان متفاوت از جوش و خروش‌های ناشی از مناسک‌های شادمانه نمی‌داند. در یک کلام «حتی در مواقعی که مراسم دینی برای بزرگداشت یک امر نگرانی‌آور و غم‌افزا صورت می‌گیرد، باز هم مراسم برحالت عاطفی گروه و افراد مؤثر هستند و در توانایی انگیزش آنها تردیدی نمی‌توان کرد. به صرف اینکه مراسم مذکور جمعی‌اند، شور حیات مردم بالا می‌رود. و می‌دانیم آدمی همین که در خودش احساس نیروی حیاتی کرد، چه به صورت دردناک و یا به انگیزه شور و شوق شادمانه، دیگر کسی به مرگ نمی‌اندیشد. همه اطمینانی تازه در خود می‌یابند، دیگر غیرت و شجاعت‌شان به جوش درمی‌آید و در درون افراد همه چیز چنان می‌گذرد که گویی صرف انجام مناسک عامل پس زدن خطری که همگان از آن بیم داشتند شده است» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۶۴) و در نهایت هم همین گروه و هویت گروهی و جمع بودن آن، باز تولید و بازسازی می‌شود و از آنجا که هم ذات شدن وجدان‌های افراد مهم‌ترین راه این بازسازی است، اندوه نیز یکی از مهم‌ترین مجراهای همذات شدن اعضای جامعه مؤمنان است. «هرگونه همذات‌شدگی وجدان‌ها، به هر شکلی که باشد بر نیروی محرک و سرزندگی اجتماعی می‌افزاید» پایان عزاداری جایی است که «گروه احساس می‌کند که نیروهایش به تدریج به وی باز می‌گردند، امید تازه‌ای پیدا می‌کند و زندگی از سر می‌گیرد» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۳۶-۵۷۵).

پیشینه تحقیق

دین و مقولات پیرامون آن از جمله مناسک دینی در جامعه امروز ایران، به واسطه حاکمیت دینی و همچنین علقه‌های تاریخی و فرهنگی مردم، از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه و چالش برانگیز به ویژه در فضاهای علمی و آکادمیک محسوب می‌شود و در این فضا زمینه بسیار مناسبی برای شکل‌گیری آثار علمی و پژوهشی فراهم آمده است که به دنبال احساس نیاز به برآورده کردن نیاز مخاطب گسترده به این نوع مقولات از سوی پژوهشگران توجه شده است. البته کتاب‌های بسیاری در این باره انتشار یافته است ولی آنچه در اینجا گزیده شده است، به دلیل اهمیت بیشتر و ارجاع مکرر به آنها در موضوع‌های تحقیق مشابه (عزاداری عاشورا) است.

آیت الله مرتضی مطهری به عنوان یکی از روحانیون متفکر و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، مبلغ اسلامی جامع و فعالی بود که برای همه وجوه زندگی فردی و اجتماعی برنامه داشت. در پرتو نگرش مطهری به اسلام، عاشورا هم تفسیری دیگر می‌یافت. حماسه‌ای که به مثابه الگویی فرا زمانی و فرا مکانی برای همه آزادی‌خواهان در همه زمان‌ها و اعصار قابل مطرح شدن است. او در سلسله سخنرانی‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۶ ایراد کرد، بی‌محابا جبهه‌ای در نقد و اعتراض به قرائت‌های سنتی رایج در مورد عاشورا و پاره‌ای آیین‌های عزاداری گشود. عنصر کلیدی این سخنرانی‌ها و یادداشت‌هایی که سالیانی بعد مجموعه آنها در کتابی تحت عنوان حماسه حسینی گردآوری و تدوین شد، گوشزد کردن این خطر بود که در روایت عاشورا تحریفاتی وارد شده، که سبب شده این منبع عظیم انقلابی از کارکردهای اجتماعی و سازنده خود تهی شود. مطهری در این کتاب هدف اصلی‌اش، نه یک پژوهش تاریخی، بلکه پیدایش قرائت رایج از حادثه عاشورا است. تمام کتاب مبتنی بر رویکرد دینی و کلامی در حیطه امام‌شناسی و تاریخ تشیع است ولی به واسطه پرداختن او به تحریفات و علل و تبیین آنها به تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی هم در این زمینه پرداخته است.

دکتر علی شریعتی نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین متفکران اجتماعی و کاریزماتیک قرن اخیر ایران، ضمن بیان قرائت و تفسیری عدالت‌خواهانه، سیاسی، حماسی، مبارزاتی و ظلم‌ستیز از تشیع و مفاهیم شیعی به طرح مفاهیمی چون «تشیع سرخ» (علوی) و «تشیع سیاه» (صفوی) در جهت تفسیر و نگاه سیاسی و ایدئولوژیک به واقعه عاشورا پرداخت. رویکرد شریعتی به مجالس عزا و روضه هم تابع چنین تفسیری بود. او به آیین‌های عزاداری که پس از صفویه رواج یافتند رویکردی انتقادی داشت و این گونه عزاداری را در جهت سیاست شاهان صفوی در مسخ و استحاله حقیقت عاشورا و به عبارتی اکتفا کردن به فرم و به فراموشی سپردن محتوا ارزیابی می‌کرد (شریعتی، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

عمادالدین باقی در کتاب جامعه‌شناسی قیام امام حسین و مردم کوفه سعی کرده نگاهی جامعه‌شناختی به حادثه کربلا داشته باشد و درباره نیروهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دخیل در شکل‌گیری این حادثه کاوش کرده و تبیینی از آن دوران ارائه می‌دهد. از آنجا که یکی از مهم‌ترین ارکان تبیین جامعه‌شناختی، تبیین امر اجتماعی، به واسطه امر اجتماعی است. این کتاب، حاوی چهار نوشتار است، که در فصل اول به جامعه‌شناسی قیام امام حسین و مردم کوفه پرداخته در فصل دوم، درباره کارکردهای عاشورا در فصل بعدی به «اربعین، فلسفه تکرار و فصل رویش» و در فصل آخر «مدل تحقیقی عاشورا با الهام از والعصر» را بیان کرده است.

کتاب تبیین جامعه‌شناختی واقعه کربلا هم نوشته شمس‌الله مریچی است که در سال ۱۳۸۶ از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی منتشر شده است. این کتاب با تأکید بر مفهوم تغییر اجتماعی، سعی کرده که تبیینی با رویکرد تغییرات اجتماعی برای چرایی رخداد عاشورا فراهم کند.

«مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین ورزی اقشار فرودست»؛ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد جبار رحمانی (۱۳۸۴) است که با رویکردی انسان‌شناختی و با تکیه بر پارادایم تفسیری گلیفورد گیرتز از دین به عنوان یک نظام فرهنگی مؤثر در حیات اجتماعی افراد، و با هدف تبیین جایگاه عزاداری و گفتمان کربلا و هیئت‌های عزاداری در حیات مذهبی، اجتماعی و فرهنگی اقشار فرودست شهری صورت گرفته است. روش‌شناسی این کار تحقیقی، مبتنی بر روش‌شناسی مردم‌نگاری تفسیری و اندیشه‌های گیرتز در باب فهم دیدگاه بومی است (رحمانی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۱۹).

«گفتمان‌های نخبگان در نقد عزاداری‌های مردم» نیز عنوان مقاله‌ای است از ناصر فکوهی و جبار رحمانی که در آن به نوع‌بندی گفتمان‌های نخبگان پیرامون موضوع عزاداری عاشورا می‌پردازد این نوشتار در کل نقدهای مربوط به مناسک عزاداری و گفتمان کربلا را با توجه به منتقدان و موقعیت آنها در چهار گفتمان تقسیم‌بندی کرده است:

۱. گفتمان‌های علمای دین و مراجع روحانیون بزرگ ۲. گفتمان متخصصان دینی، که عموماً دانش دینی و تحصیلات سنتی داشته و بعضاً هم با علوم مدرن آشنا هستند. ۳. گفتمان روشنفکران دینی که اهل دین و مدرنیته هستند و تلاش می‌کنند سازشی معقول میان این دو برقرار سازند. ۴. گفتمان روشنفکران سکولار و لائیک که معمولاً اهل دین نیستند و یا کاری به آن ندارند و بعضاً هم مخالف آن هستند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۳۱).

روش

مهم‌ترین پرسشی که هر تحقیق اجتماعی در آغاز کار با آن مواجه می‌شود، این است که هستی یا واقعیت اجتماعی که می‌خواهد مطالعه شود چیست؟ یا به عبارت دیگر وضعیت هستی‌شناسانه آنچه بررسی می‌شود چیست؟ از منظرهای مختلف هستی‌شناسی، واقعیت اجتماعی تحت مطالعه می‌تواند از عوامل مختلفی نظیر: نگرش‌ها، باورها، تفسیرها، کردارهای اجتماعی - فرهنگی، متن‌ها، گفتمان‌ها و... ساخته شود. لذا در این تحقیق به دلیل انتخاب نوع واقعیت اجتماعی یا عنصر هستی‌شناسانه مورد تحقیق، یعنی متن و تفسیر، روش کیفی بر کمی ارجحیت دارد. بنابراین، این تحقیق به شیوه کیفی صورت گرفته است و مبنای روش‌شناختی و تکنیک ارزیابی استفاده شده در این تحقیق تحلیل گفتمان است. برای دستیابی به این هدف متن‌هایی مرتبط با موضوع عاشورا که به مثابه پرکتیس‌های گفتمانی در نظر گرفته شده‌اند؛ انتخاب شده و مطالعه و تدقیق شده‌اند و با استفاده از راهکارهای ارائه شده در تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، تجزیه و تحلیل شده‌اند. نمونه‌ها که شامل ۳۰ متن بوده‌اند به شکل هدفمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری^۱ از میان نشریات مرتبط با موضوع عاشورا که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده‌اند، انتخاب شده و شامل سخنرانی، مقاله، شعر و متون ادبی و همچنین گفتگوهایی است که با روحانیون و مداحان و همچنین صاحب‌نظران، متفکران، شاعران و نویسندگان فعال در این حوزه صورت گرفته است.

روش فرکلاف در تحلیل گفتمان

فرکلاف از جمله زبان‌شناسان نقادی است که به مبانی تعریف فوکو از گفتمان وفادار، و نقش او در وهله نخست انضمامی‌تر کردن مباحث فوکو و علاوه بر آن روشمند ساختن پژوهش‌های تحلیل گفتمانی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۷). به طور خلاصه رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند (فرکلاف، b ۱۹۹۲: ۷۹): ۱. تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی ۲. تحلیل جامعه‌شناختی کلان پرکتیس اجتماعی. ۳. سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (همان: ۱۱۷).

شاخص‌های استفاده شده در تحلیل پرکتیس‌های گفتمانی (متون نمونه)

یکی از مراحل کار تحلیل گفتمان، انتخاب شاخص‌های این تحلیل براساس اهداف تحقیق است. شاخص‌ها، خود براساس سطوح مورد نظر تحلیل گفتمان، متناسب با آنچه باید تحلیل

شود، انتخاب می‌شوند که در این تحقیق سه شاخص زیرمحوهای اصلی در تحلیل متون نمونه‌اند که از تلفیق روش آفاگل‌زاده در کتاب *تحلیل گفتمان انتقادی* (۱۳۸۵) و خانیکی در کتاب *جهان گفت‌وگو* (۱۳۸۷) به دست آمده است: ۱. هم‌آوایی واژگانی (یکی از ابزارهای انسجام متنی که عبارت از واژه‌هایی است که به نحوی با یکدیگر رابطه معنایی دارند (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۱). ۲. اپیزودهای معنایی ۳. جملات کانونی

یافته‌های تحقیق

۱. تجزیه و تحلیل متون نمونه

بعد از بررسی کلی متون نمونه- که به عنوان پرکتیس‌های گفتمانی در نظر گرفته شده‌اند- و بر اساس اعمال سه شاخص ۱. هم‌آوایی واژگانی ۲. اپیزودهای اصلی معنایی ۳. جملات کانونی سه نوع گفتمان تشخیص داده شده است؛ ۱. گفتمان علمی- آکادمیک ۲. گفتمان ادبی- هنری ۳. گفتمان کلامی- فقهی

با بررسی و واکاوی متون نمونه براساس ۳ محور تعیین شده، نتایج زیر به دست آمد که بیانگر مفاهیم، مضامین و عناصر معنادار غالب بر این متون است.

گونه گفتمانی نوع اول: گفتمان علمی- آکادمیک

۱. هم‌آوایی واژگانی

در این گونه گفتمانی بخش عمده منظومه واژگان را می‌توان حول چند واژه کانونی ۱. نهضت ۲. دینداری ۳. جامعه سامان بخشید.

قیام(۵)، حماسه(۶)، آزادگی(۱۰)، حریت(۵)، پایمردی(۴)، عظمت(۸)، مقاومت(۴)، شهادت طلبی(۵)، نجات بخش(۵)، بیدارگر(۴)، اسطوره(۶)، سرنوشت ساز(۴)، حق جویی(۶)،	نهضت
عوامانه(۱۰)، سطحی نگر(۸)، عقلانی(۱۰)، معرفت(۴)، عمیق(۶)، عقل(۱۰)، خرافه(۵)، ارزش(۶)، باور(۸)، اعتقاد(۵)، تفکر(۸)، اندیشه(۱۰)، دیندار(۱۰)، دین‌ورزی(۴)، دینی(۱۰)، خیال‌پردازی(۵)، اسطوره(۶)، محتوا(۶)، تقلید(۳)، تدبیر(۶)، عامه(۱۰)، احساسی(۱۰)، عاطفی(۱۰)،	دینداری
فرهنگ(۱۰)، اجتماعی(۱۰)، نهاد(۵)، ساختار(۷)، سازمان(۴)، هنجار(۴)، همبستگی(۸)، گفتمان(۲)، انسجام(۱۰)، جامعه‌پذیری(۵)، عرف(۲)، کارکرد(۷)، راهبرد(۴)، آسیب شناسی(۶)، تتبع(۲)، تحقیق(۱۰)، فرهنگ سازی(۳)، مناسک(۶)، نمادین(۴)، تحول(۱۰)، بازنمایی(۴)، تغییر(۸)، تطور(۴)، تشکل(۳)، رسانه(۴)، تجزیه و تحلیل(۷)، ابزار(۶)،	جامعه

باتوجه به تعداد دفعاتی که هر کدام از واژه‌های فوق در متون بررسی شده به کار رفته‌اند می‌توان گفت که در این گونه گفتمانی منظومه واژگانی حول واژه (جامعه) غالب بر سایر واژگان است که بیانگر نگرش خاص این گفتمان به موضوع عاشورا به عنوان یک پدیده اجتماعی در متن و بطن جامعه است. اما در کنار آن منظومه واژگانی حول واژه (دینداری) و در ارتباط معنایی نزدیک به آن به چشم می‌خورد که معرف نگاه انتقادی این گفتمان به دینداری عوامانه و سطحی‌نگر است و اما واژه (نهضت). سومین واژه کانونی این گفتمان است که دارای بار معنایی قوی ایدئولوژیک است.

۲. اپیزودهای اصلی معنایی

نگاه علمی و آسیب‌شناسانه به تاریخ عاشورا و معرفی مطالب دروغ و گزافه، مناسک عاشورا ابزار و رسانه قوی تبلیغ در طول تاریخ شیعه، منطبق ساختن واقعیت با اندیشه، غلبه دینداری احساسی و عاطفی بر دینداری ایدئولوژیک، سطحی‌نگری دینی منشأ بروز خرافه، تعقل و تفکر لازمه دستیابی به باطن عاشورا، دینداری عوامانه نتیجه عدم توازن جنبه‌های عقلی و احساسی، لزوم توازن میان دو وجه اعتقادی و مناسکی دین، مناسک عاشورا عامل انسجام و همبستگی اجتماعی، تأثیر مناسک عاشورا بر قدسی شدن جامعه، حاکم بودن روح فرهنگ ایرانی بر مناسک عاشورا، مناسک عاشورا به مثابه مناسکی بازتابی برای تحول جامعه، متأثر بودن تحولات مناسکی از تغییر و تحولات اجتماعی و تاریخی، متأثر بودن تحولات مناسکی از تغییر و تحولات اجتماعی و تاریخی، شکل‌گیری نظام مناسکی عاشورا تحت تأثیر حاکمیت.

۳. جملات کانونی

مناسک عاشورا ابزار و رسانه قوی تبلیغ در طول تاریخ شیعه است، درباره وقایع تاریخی عاشورا وجود نگاه علمی و آسیب‌شناسانه و معرفی مطالب دروغ و گزافه ضروری است، مناسک عاشورا عامل قوی و مهمی در بالا بردن انسجام و همبستگی اجتماعی است، احساس دینی کافی نیست و تعقل و تفکر لازمه دستیابی به باطن عاشورا است، تحولات مناسکی متأثر از فرهنگ و تغییر و تحولات اجتماعی و تاریخی است، در این گونه گفتمانی که معمولاً در میان افراد تحصیل کرده و دانشگاهی که دارای عقاید و علقه‌های مذهبی‌اند و همچنین معدودی از روحانیون دانشگاهی که در فضای آکادمیک و علوم جدید ورود یافته‌اند رواج دارد؛ شاهد نگاهی ژرف‌انگر، دقیق و منتقدانه به موضوع عاشورا هستیم که در آن بررسی و مطالعه درباره عاشورا لزوماً با مبنا قرار دادن روش‌های علمی متداول میسر دانسته شده است و از این رو با تبعی آسیب‌شناسانه در پی درک وقایع تاریخی عاشورا و حذف مطالب نادرست و گزافه پیرامون آن است و البته در این میان به طور مشخصی به وجه اجتماعی موضوع عاشورا که از خلال اجرای مناسک عاشورا در

جامعه شکل می‌گیرد، بیشتر توجه شده است؛ لذا با تکیه بر روش‌های علمی رایج در جهت تبیین کارکردهای اجتماعی مثبت و منفی مناسک عزاداری عاشورا و آشکارشدن زوایای مختلف آن در جامعه تلاش شده است. در این گونه گفتمانی، هر چند درباره اصل و فلسفه اجرای مناسک عاشورا تشکیکی صورت نمی‌گیرد و مناسک عزاداری عاشورا به مثابه رسانه دینی در نظر گرفته می‌شود که مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار تبلیغ و ترویج معارف شیعه در طول تاریخ بوده است و اکنون نیز عامل انسجام و همبستگی این جوامع است ولیکن درباره اشکال و صورت‌بندی‌های مختلف این مناسک که تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی است به کنکاش علمی می‌پردازد. این گفتمان علمی، همچنین تغییر و تحولات ایجاد شده در مناسک عاشورا را مستقیماً متأثر از تغییر و تحولات جامعه برمی‌شمرد و از این رو آسیب‌های مختلفی که متوجه عزاداری‌های عاشورا است را بازتابی از آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه می‌داند که دامنگیر دین و مناسک دینی هم شده است و طبعاً نیازمند به راهکارهایی اجتماعی و متکی بر روش‌های علمی در این زمینه است. همچنین در این گونه گفتمانی شاهد نقد جدی بر دینداری عوامانه، تحت مضامینی چون سطحی‌نگر، احساسی و عاطفی و بدون پشتوانه فکری و عقلانی هستیم که غالباً از خلال مناسک مذهبی مانند عاشورا نمود می‌یابد؛ ضمن آنکه به مناسک عزاداری عاشورا نیز به عنوان یکی از مصادیق مورد بحث در آسیب‌شناسی دینی توجه شده و با نگاهی نقادانه تغییر و تحولات مناسکی عاشورا را که متأثر از اوضاع اجتماعی، سیاسی جامعه دانسته شده، دنبال می‌شود.

گونه گفتمانی نوع دوم: گفتمان ادبی-هنری

۱. هم آوایی واژگانی

بخش عمده واژه‌ها را می‌توان حول چند واژه کانونی (۱ غم (۲ درد (۳ عشق (۴ کربلا بیان نمود.

غم	اندوه (۷)، غصه (۶)، حزن (۱۰)، ماتم (۱۰)، غمگسار (۵)، دل شکسته (۸)، شیون (۱۰)، فغان (۱۰)، اشک (۱۰)، غم‌زده (۶)، سوگ (۸)، غمین (۸)، دریغ (۶) بی‌تابی (۶)، مصائب (۱۰)
درد	زخم (۵)، خون جگر (۵)، مجروح (۴)، بی‌پناه (۱۰)، اسارت (۱۰)، وحشت (۵)، حسرت (۴)، جانگداز (۴)، بلا (۸)، پریشان (۵)، تشنگی (۱۰)، عطشان (۱۰)، لب تشنه (۱۰)
عشق	عاشق (۱۰)، دل (۱۰)، ارادت (۱۰)، محبت (۱۰)، احساس (۱۰)، شیفته (۵)، شور (۵)، یار (۸)، وفا (۷)، دوستی (۵) معشوق (۵)، جانان (۵)
کربلا	نینوا (۵)، قیام (۷)، محشر (۸)، رستاخیز (۶)، قربان گاه (۴)، کارزار (۸)، معراج (۲)

با توجه به تعداد دفعاتی که واژگان فوق در پرکتیس‌های گفتمانی بررسی شده به کار رفته‌اند می‌توان گفت که منظومه واژگانی حول واژه (غم) محوریت و تفوق دارند. که نشان از غلبه فضای

اندوه بر این متون و نگرش این گفتمان از زاویه سوگ به موضوع عاشورا است. البته در این گفتمان منظومه واژگانی که حول واژه (عشق) به کاررفته است نیز قابل توجه است که به نوعی نشان از وجود نگرش هنرمندانه و ادبی در این گونه گفتمانی است.

۲. اپیزودهای اصلی معنایی

دل سپردن به امام (عشق، دوستی، محبت و ارادت به امام)، گودال قتلگاه و بریده شدن سرامام، برزمین ماندن جسم بی جان و بی کفن شهدا، آتش گرفتن خیمه‌ها و وحشت زنان و کودکان، عطش و تشنگی کودکان و بی تابی آنها، بی پناه ماندن و اسارت زنان و کودکان، طلب کردن آب برای طفل شیرخوار، بی تابی مادر در فراغ کودک شیر خوارش، لگد مال شدن اطفال زیر سم اسبان اشقیاء، غارت خیمه‌ها و بی حرمتی به اهل حرم، راه پرمحنت و طاقت فرسای شام و غربت اهل حرم، ستم کشی و تحمل مصائب، بوسه برگلوی بریده برادر، وداع خواهر باپیکر پاره پاره برادر، کودکان و زنان نظاره گر قتلگاه و پیکر شهداء، در آغوش گرفتن سربریده پدر، سرهای بریده شهیدان بر نیزه‌ها، فغان و ناله مادر بر پیکر بی جان فرزند، شهادت برادر و بی پناهی خواهر

۳. جملات کانونی

سرودن شعر برای امام حسین (ع) بر هر شعری اولویت دارد، نظرکردن امام به شعر رمزماندگاری آنست، بیان مصائب عاشورا از زبان حساس‌ترین انسان‌های هردوران یعنی شاعران صورت می‌گیرد، ادبیات شیعه همواره حول حزن و اندوه و سوگ شکل گرفته است، نگاه شاعران به کربلا از زاویه سوگ است، ادبیات آیینی همواره سوزناک و حزن‌انگیز است.

در این گونه گفتمانی که معمولاً در میان شاعران و ادیبان و هنرمندان رایج است؛ شاهد نگرشی کاملاً انتزاعی به موضوع عاشورا هستیم که به شدت مفهوم غم و سوگ را می‌نمایاند در واقع معنای غم و اندوه و واژگانی که به نوعی با آن هم آوا و در ارتباطاند در این گفتمان محوریت و تفوق کاملی دارند. از این رو می‌توان ۱. غم از دست دادن عزیزان، ۲. سوگ و حزن ناشی از فراغ و جدایی ۳. دردناکی توصیف صحنه‌های تشنگی کودکان، اسارت زنان، و کشته شدن امام و یارانش را به عنوان حلقه‌های اصلی معنایی تعیین کننده این گونه گفتمانی یا به طور کلی سوگ و اندوه را به عنوان معنای غالب بر این گفتمان در نظر گرفت که در جهت توصیف وقایع «عاشورا» به کرات در متون بررسی شده به کار گرفته شده‌اند و به تبع آن حضور عاطفه و احساس را در این گفتمان بسیار پررنگ و برجسته نموده‌اند؛ احساس و عاطفه‌ای که در پرکتیسی‌های گفتمانی موجود مرتباً تقویت شده و تکثیر می‌یابد و گاهی هم در توصیف وقایع عاشورا و بیان مصائب امام حسین (ع) و یارانش با نوعی همذات پنداری همراه می‌شود؛ به طوری که در بسیاری از موارد تحت تأثیر اوضاع غالب اجتماعی و فرهنگی گویندگان، معانی و مفاهیم و تفسیرهایی نابجا و نادرستی نیز از محتوای عاشورا عرضه می‌شود. در این گونه گفتمانی همچنین

بیان نوعی عشق مقدس، محبت و دوستی متعالی نسبت به امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان نیز در جای جای متون بررسی شده مشاهده می‌شود و از آنجا که در قالب ادبی و شعر قرار گرفته به نظر می‌رسد بی‌پروا تر و بی‌پرده‌تر به بیان این عشق و رابطه دوستی می‌پردازد ولی در هر حال اگرچه این حلقه معنایی در گفتمان اخیر اهمیت زیادی دارد ولی همچنان در سایه و تحت تأثیر نگاه سوگوارانه و تراژیک به موضوع عاشورا قرار گرفته است. ولی به طور کلی در این گفتمان می‌توان ویژگی‌های زیر را دربارهٔ به کارگیری مضامین در اشعار و متون برشمرد:

الف) بی‌توجهی به ابعاد عرفانی، حماسی و ایدئولوژیک عاشورا و استیلای بُعد سوگواری و عاطفی، ب) بی‌توجهی به مبانی فکری و فلسفی عاشورا، ج. استفاده از روایات مجعول و تحریف شده و غیر مستند، د) عدم شناخت لازم نسبت به شخصیت امام حسین (ع) و قهرمانان کربلا، تقلید و ضعف در خلق و آفرینش هنری و) مستقیم‌پردازی در القای معانی

گونه گفتمانی نوع سوم: گفتمان کلامی - اعتقادی

۱. هم‌آوایی واژگانی

در این گونه گفتمانی، منظومه واژگان حول سه واژه کانونی شرع، تحریف، عزاداری نظام یافته‌اند.

شرع	خداوند (۱۰) شعائر (۸)، شرعی (۷)، فریضه (۱۰)، رضایت (۵) مرجعیت (۸) علما (۱۰) طاعت (۱۰) فقه (۱۰) امر (۱۰) حرام (۵) عذاب (۵) معصوم (۶) اخروی (۸) ائمه (۱۰) واجب (۱۰) حرمت (۸) قرب (۸) تأیید (۸) هدایت (۷) تعظیم (۶) منکر (۹) معروف (۹) فتوی (۵)
تحریف	انحراف (۸)، هتک (۸) بدعت (۱۰) صیانت (۵) خرافه (۱۰) گزافه (۸) جعل (۸) وهن (۶) روایت (۸) حدیث (۷)
عزاداری	آسیب (۱۰) ریا (۱۰) اخلاص (۱۰) تبلیغ (۱۰) ترویج (۱۰) فداست (۸) اهل بیت (۱۰) اشکال (۱۰) عوامانه (۱۰) سطحی (۱۰) ظاهری (۱۰) عادت (۵) تقلید (۴) سلیقه (۸) شأن (۱۰)

با توجه به تعداد دفعات به کار رفتن این واژگان در متون بررسی شده می‌توان گفت: واژه شرع و واژگان مرتبط با آن که در وجه الزام‌آوری به کار رفته‌اند در این گفتمان تفوق و محوریت دارند.

۲. اپیزودهای اصلی معنایی

لزوم اقتباس الگوهای عزاداری عاشورا از علما و مراجع، ارزش گریه و تباکی در مجالس عزاداری عاشورا، عزاداری عاشورا ابزاری در جهت احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر،

تعظیم اهل بیت (ع) اصل و اساس عزاداری عاشورا، لزوم آگاهی داشتن به اهداف قیام امام حسین (ع)، تأکید بر صحت روایات مورد استفاده در مجالس عزاداری، جعل و تحریفات تاریخی حادثه عاشورا، عزاداری صوری و عوامانه، رواج یافتن عزاداری ریا کارانه و بدون اخلاص، عزاداری دور از شأن امام حسین (ع) و وهن، عقل معیار اساسی در دین.

۳. جملات کلیدی

در فقه شیعه بالاترین معیارها عقل است، اگر عزاداری از علما اقتباس شود، هیچ اشکالی پیش نمی‌آید، در بسیاری از مجالس عزاداری شأن معصوم رعایت نمی‌شود، خیلی از منبری‌ها اهل مطالعه نیستند. عامه مردم در برپایی مجالس عزاداری سلیقه خود را اعمال می‌کنند، اغلب مجالس عزاداری تهی از معارف دینی و سیره اهل بیت و صوری است، عزاداری عاشورا ابزار مهمی برای بجا آوردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر است، در مجالس می‌بایست از روایاتی که دارای سند محکم و معتبرند استفاده کرد، محافظه کاری برخی از روحانیون باعث بی‌توجهی و ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر شده است، در اغلب مجالس برای تحریک احساسات مردم مطالب غلوآمیزی راجع به عاشورا بیان می‌شود.

این گونه گفتمانی که غالباً در میان مراجع، علماء و روحانیون برجسته رایج است و بعضاً از سوی روحانیون دیگر نیز اتخاذ می‌شود، با اتکاء بر قرآن، معارف دینی و احادیث و روایات ائمه نضح گرفته است. در این گفتمان توجه به عاشورا و بزرگداشت آن، اقامه شعائرالله و از فرایض دینی محسوب می‌شود که در طول تاریخ، مهم‌ترین ابزار انتقال معارف شیعه و تقویت کننده روحیه ظلم ستیزی در میان شیعیان بوده است. به عبارتی دیگر، در این گفتمان اجرای مناسک عزاداری عاشورا به عنوان ابزاری تبلیغی در جهت ترویج معارف و شعائر دینی مد نظر قرار دارد در ساختارهای بنیادی این گفتمان از جمله در پرداختن به مضامین عزاداری، اندوه، مصیبت و... با عامه مردم مشترک‌اند. ولی ادبیاتی الزام‌آور در خصوص ضرورت نظارت و ارتباط نزدیک میان مجالس عزاداری و نهاد دین - به عنوان مرجعیتی که صیانت از اصول اعتقادی و معارف اصیل دینی را به عهده دارد - را به کار می‌گیرد. این ادبیات آمرانه و الزام‌آور در سطوح بالای روحانیت یعنی مراجع به شکل پررنگ‌تر و جدی‌تری به چشم می‌خورد. در این گفتمان همچنین نگاهی بدبینانه به مجالس عزاداری موجود که غالباً با محوریت مداحان برپا می‌شود وجود دارد و ضرورت اقتباس الگوی مراسم عزاداری عامه از مجالس عزاداری علماء، که عزاداری مقبول دینی است، به طور مکرر گوشزد می‌شود و از آن به عنوان تنها عامل بازدارنده از ارائه محتوای غیراصیل و غیرواقعی از عاشورا در این مجالس و به تبع آن بروز انحرافات در دینداری عامه مردم یاد می‌شود. در این گفتمان همچنین به طور برجسته به بروز تحریفات و انحرافات و رواج خرافه‌گویی و خیال‌پردازی‌های پیرامون تاریخ عاشورا توجه خاصی وجود دارد و در آن به کرات،

لزوم تتبع آسیب‌شناسانه در منابع تاریخی عاشورا و معرفی مطالب نادرست و گزافه مطرح می‌شود. در واقع در این گفتمان یکی از علل و ریشه‌های اصلی بروز انحرافات، خرافات و کج‌اندیشی‌های عامه مردم نسبت به موضوع عاشورا و آسیب‌های موجود، عدم دسترس به معارف صحیح و مستند و اشاعه و ترویج مطالب غیرواقعی و غلوآمیز معرفی می‌شود. در واقع در این گفتمان، دینداری عامه که در خلال برپایی مناسک عاشورا نمود بیشتری می‌یابد، نوعی دینداری سطحی و سلیقه‌ای انگاشته می‌شود که در دراز مدت به بروز انحرافات و بدعت‌هایی منجر می‌شود که معارف اصیل دینی را خدشه‌دار خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

اجرای مناسک عزاداری عاشورا از دغدغه‌های دیرینه و از عناصر اساسی هویت بخش در فرهنگ شیعه است که در دوره‌های مختلف تاریخی و تا به امروز علاوه بر پذیرا شدن صورت‌بندی‌هایی مختلف در شکل و فرم، دیدگاه‌های نظری و گفتمان‌های مختلفی نیز متأثر از محتوای این مناسک همواره شکل گرفته و می‌گیرد و از آنجا که هر گفتمانی، با توجه به «نظام فکری» و «اصول موضوعه» خود، در مورد مفاهیم مختلف، موضع‌گیری‌های مختلفی عرضه می‌کند و در هر قالبی به «بازنمایی» نظرهای خویش می‌پردازد؛ لذا گفتمان‌های مذکور نیز به مرور زمان و البته تحت تأثیر اوضاع اجتماعی-سیاسی ساخت یافته و امکان رشد و بازتولید نظام فکری خاصی را می‌یابند که می‌تواند تأثیرات زیادی بر جامعه داشته باشد. به عبارتی دیگر آنچه امروز تحت تأثیر اوضاع اجتماعی جدید و با توجه به تغییر و تحولات ایجاد شده در مناسک عزاداری عاشورا در جامعه ایران، به عنوان جامعه‌ای شیعی و مناسکی، با آن مواجهیم بروز و ظهور پررنگ‌تر این گفتمان‌ها است که غالباً از زاویه‌ای انتقادی و آسیب‌شناسانه به موضوع عاشورا و مناسک پیرامون آن می‌نگرند و در این نوشتار سعی شده با تکیه بر داده‌های به دست آمده از فضاهای گفتمانی موجود و با توجه به واکاوی‌ها و بررسی‌های صورت گرفته، به عرضه یک گونه‌بندی درباره‌ی این گفتمان‌ها بپردازد. این تحقیق که به شکل کیفی و با استفاده از روش تحلیل گفتمان صورت گرفته، داده‌هایی را به دست داده است که در نتیجه آن سه نوع گفتمان

۱. علمی-آکادمیک ۲. ادبی-هنری ۳. کلامی-فقهی پیرامون مناسک عزاداری عاشورا قابل تشخیص شده است.

این گفتمان‌ها پیش از هرچیز دارای نقطه عزیمت مشترکی هستند که همانا ضرورت بزرگداشت حادثه عاشورا است؛ که البته از زاویه دید خود و با توجه به اولویت‌های مورد نظرشان و همچنین با ادبیات و واژگان خاصی به بیان آن می‌پردازند. درباره‌ی گفتمان علمی-آکادمیک که،

غالباً بخشی از روشنفکران دینی ایجاد کننده آن هستند، می‌توان اظهار داشت که در فضای موجود، به نوعی، نقش اندیشگی و ایده‌سازی را در جهت اصلاح الگوهای دینداری ایفا می‌کنند و از دغدغه‌های اصلی آنها عرضه تفسیری عقلانی یا عقل‌پذیر از دین و مفاهیم دینی است و هر چند از دل سنت متولد شده‌اند با سنت‌گرایان متفاوت‌اند، چرا که به دنیای مدرن از جهت حضور پیرنگ عقلانیت، نیز توجه دارند و تلاش می‌کنند که نشان دهند همه آنچه تمدن مدرن و دنیای علم توانسته است بدان دست یابد، در دین وجود داشته است و به عبارتی هرآنچه علم از آن سخن می‌گوید؛ دین به زبان دیگری بیان کرده است. هیچ تعارضی میان علم و دین وجود ندارد. از آن جهت که سوگیری‌های این گفتمان مرتبط با نیازهای زمان و همگون با بستر عینی و ذهنی جامعه است، توفیق قابل توجهی نیز داشته است. به طوری که بخش قابل توجهی از نوگرایان دینی تربیت یافته حوزه‌های علمیه را نیز با خود همراه ساخته و از این رو میدان‌های وسیع‌تری را برای فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیک انتقادی در حوزه دین به دست آورده است و مصداق بارز آن حضور پیرنگ این گفتمان در قالب بروز موج گسترده‌ای از دیدگاه‌های آسیب‌شناختی و منتقدانه نسبت به موضوع مناسک عزاداری عاشورا است.

در ارتباط با شناخت و تبیین گفتمان ادبی، که به نوعی جریان‌های هنری محسوب می‌شود می‌توان گفت: هر چند نگرش ایدئولوژیک خاصی در آن قابل تشخیص نیست، غلبه وجود نگاهی کاملاً انتزاعی به موضوع عاشورا را می‌توان به وضوح در آن مشاهده نمود؛ که به شدت تحت استیلای مضمون غم و سوگ و متأثر از احساس و عاطفه است؛ که کمتر ناظر بر تفکر و اندیشه دینی ایدئولوژیک است و تا حدی تقویت کننده نوعی دینداری صوفیانه و محدود به فضای خصوصی فردی است. در این گفتمان افراد به‌رغم تفاوت‌های بینشی و اندیشگی به واسطه آزادت و عشق به مرادی مشترک است که در یک فضای واحد به هم ارتباط می‌یابند. در واقع در این گفتمان تراژیک، زاویه دیدی اسطوره‌ای و نوعی گرایش به خیال‌پردازی، اغراق و غلو وجود دارد و «بیش از اینکه نسبتی با واقعه حماسی - عرفانی عاشورا داشته باشد، انعکاس اجتماعی سوگواری‌های شخصی و دردهای فردی - جمعی و بازخوانی آلام تاریخی و خشونت‌ها و ستم‌هایی است که بر خود افراد رفته است و در آن عاشورا به مثابه ملجأ و پناهگاهی است که تا در سایه اندوهبار آن با گریستن، برائت وجدان و سبکباری روحانی پیدا کنند. بدون اینکه تأمل و تفکری عمیق در بنیادها، ذات و آثار این واقعه داشته باشند».

درباره گفتمان کلامی - اعتقادی هم می‌توان گفت که این گفتمان از منتقدان جدی انحرافات و آسیب‌هایی است که متوجه این مجالس است. این گفتمان به واسطه پشتوانه نهاد دین موضعی همزمنیک و الزام‌آور نسبت به عزاداری عامه دارد و در بعضی از موارد به ویژه در میان سطوح بالای روحانیت تا حدی نوعی از جریان طرد این گونه مجالس عزاداری عوامانه نیز مشاهده می‌شود. در

_____تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا... / ۱۷۳

مقابل بیان لزوم اقتباس عملی از الگوهای عزاداری علماء و مرجعیت از مواضع روشن و برجسته این گفتمان است؛ الگویی که متکی بر نص صریح قرآن و معارف آن و همچنین برگرفته از سیره پیامبر(ص) و ائمه (ع) است و علاوه بر لزوم گریستن به مصائب معصومین (ع) به اولویت در پایبندی به احکام فقهی و دستوره‌های شرع در عملکرد مردم در مجالس عزاداری تأکید فراوان دارد که به نوعی اکتفا و اقتصار ورزیدن به بُعد کلامی واقعه و غفلت از ابعاد دیگر واقعه عاشورا است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی قیام امام حسین و مردم کوفه، تهران، نشر نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) صور بنیانی حیات دینی، ترجمه پرهام، باقر، تهران، مرکز.
- خانیک، هادی (۱۳۸۷) در جهان گفتگو، تهران، هرمس.
- رحمانی، جبار (۱۳۸۶) «مناسک عزاداری و وجدان جمعی در تشیع ایرانی»، نامه صادق، سال چهاردهم، شماره دوم، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- شریعتی، علی (۱۳۸۶) حسین وارث آدم، مجموعه آثار (۱۹)، قلم.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶) «تحلیل نخبگان از مردم در نقد و آسیب‌شناسی عزاداری»، خیمه، شماره ۳۲، ص ۳۱.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) «تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه جمعی از مترجمان»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کالر، جانانان (۱۳۸۸) در جستجوی نشانه‌ها، فرزانه سجودی، تهران، علم.
- موریس، برایان (۱۳۸۳) مطالعات مردم‌شناختی دین، حسین شرف‌الدین و محمد فولادی، قم، زلال کوثر.
- میریچی، شمس‌الله (۱۳۸۶) تبیین جامعه‌شناختی کربلا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان، جلیلی، هادی، تهران، نشر نی.

Fairclough Norman (1992) *Discourse and Social Change*, London: Polity Press.

اسناد: (نشریات نمونه)

- روزنامه ایران، شماره‌های: (۱۶ آذر ۱۳۸۹: ص ۹، ۲۱)، (۱۸ آذر ۱۳۸۹: ص ۱۸-۱۹)، (۲۳ آذر ۱۳۸۹: ص ۳، ۱، ۱۶، ۱۵، ۲۱)، (۵ دی ۱۳۸۹: ص ۱۹).
- روزنامه خراسان، شماره‌های: (۸ آذر ۱۳۸۹)، (۱۷ آذر ۱۳۸۹: ص ۱۲)، (۱۸ آذر ۱۳۸۹: ص ۱)، (۲۲ آذر ۱۳۸۹: ص ۱، ۲)، (۲۳ آذر ۱۳۸۹: ص ۶)، (۲۷ آذر ۱۳۸۹: ص ۲)، (۲۸ آذر ۱۳۸۹: ص ۱۲)، (۲۹ آذر ۱۳۸۹: ص ۱۲)، (۱۲ بهمن ۱۳۸۹: ص ۱۲)، (۱۴ بهمن ۱۳۸۹: ص ۷).
- ماهنامه فرهنگی اجتماعی خیمه، شماره‌های: (فروردین ۱۳۸۹: ص ۶۶)، (اردیبهشت ۱۳۸۹: ص ۵۸)، (خرداد ۱۳۸۹: ص ۳۴، ۱۴، ۱۱، ۳۷)، (تیر ۱۳۸۹: ص ۶۸، ۶۴)، (مرداد ۱۳۸۹: ص ۲۴).
- روزنامه فرهنگ آشتی، شماره‌های: (۳ آذر ۱۳۸۹: ص ۱۹)، (۱۶ آذر ۱۳۸۹: ص ۲۰)، (۱۸ آذر ۱۳۸۹: ص ۲۰)، (۲۰ آذر ۱۳۸۹: ص ۱۹)، (۱۱ دی ۱۳۸۹: ص ۱۹، ۲۰)، (۳ اسفند ۱۳۸۹: ص ۱۸)، (۷ اسفند ۱۳۸۹: ص ۱۸).